

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

الحاج خلیل الله ناظم باختری

"گوهر حقیقت"

دو بیٹی ها ، رباعیات و غیره

(بخش هشتم)

بهای لویه جرگه

شنیدم تا صدای لویه جرگه
زبس بازار این آمل گرم است

شدم محور ندای لویه جرگه
جهان داند بهای لویه جرگه

بلبل مست و غزلخوان

ای وطن فصل بهارانت چه شد
نغمه زاغ و زغن آید بگوش

باغ و راغ و دشت و دامانت چه شد
بلبل مست و غزلخوانت چه شد

افتخار آدمی

نیکنامی در حقیقت زندگیست
ظالم از روی خجالت مُرده است

ور نباشد، زندگی شر مندگیست
عادل از فخر عدالت زنده است

یک جهان بار ملا مت بُرده است
افتخار آدمی باشد مُدام

تا قیامت زنده و پاینده است
خلق نیکو و مروت والسلام

آزادی و غلامی

کسی کو در جهان آزاد باشد
کسی کو اندرین دنیا غلام است

همیشه سرفراز و شاد باشد
سیهروی و سر افکنده مُدام است

غلامی و شرمندگی

اگر فرضاً جهان پاینده باشد نمیرد آدمی و زنده باشد
نمی‌ارزد به یک جو زندگانی که بنده نزد بنده، بنده باشد

شوق امارت

الهی گم شود قید و اسارت نباشد زندگی اندر حقارت
وطن در حالت زار است و طالب به فکر قدرت و شوق امارت

بهار و غم شکم

بهار آمد و اندر وطن بهار غم است نه آب است و نه نان و نه پول و نی درم است
نه فکر ساز و سرود است نی هوای چمن غم حیات و ممات است غم، غم شکم است

قضاوت تاریخ

تحریر می‌نماید نیک و بد زمانه اطوار آدمی را با نام و با نشانه
نیکان به نیک یاد شوند و بدان به بد باشد همین قضاوت تاریخ جاودانه

از طالب افغان تا طالب بیگانه

نام پاکش طالب است اما شرارت می‌کند از شمالی تا جنوبی قتل و غارت می‌کند
طالب افغان اگر باشد چرا در مملکت یک قلم ویرانی و تولید وحشت می‌کند